

سال گذشته ۶۵۵ محکوم

به قصاص بخشیده شدند

به عشق

امام رضا(ع)

می‌بخشم

قصاص دورو دارد، یک رویش به قاتل است و یک رویش به‌مقتول. قاتل باید مجازات شود چون جان یک انسان را گرفته است. اولیای دم نیز خواهان قصاص می‌شوند تا نگذارند خون مقتول بیهوده هدر رود. چشم‌دربابو چشم، گوش‌دربابو گوش وجان‌دربابو جان.

این حرف‌قانون‌است، حرف‌خداست. حکم قصاص وضع شده تا کسی جرئت صدمه زدن به دیگری رانداشته باشد. این حکم را گذاشته‌اند تا اگر خونی به عمد ریخت و در عین ناباوری، عزیزی از یک خانواده گرفته‌شد، قاتل به‌حرمت خون ریخته‌شده، بازندگی وداع کند و درس عبرتی شود برای دیگری که نقشه گرفتن جان مردم‌رادر سر دارند.

البته همه قاتلان، قتل را از پیش طراحی نمی‌کنند. بیشتر آن‌ها وقتی در زندان برای روز اعدام، شمارش معکوس می‌کنند، به‌ماجرای روزی لعنت می‌فرستند که آخرش قتل بود. گاهی اوقات ناآگاهی است، لجبازی است، بی‌تجربگی است، از روی

رنگ شادی بر خیابان های شهر

روزهای پایانی سال، برخی شهروندان شهر را به رنگ و بوی نوروز و بهار آراسته می‌کنند

چند روز بیشتر نمانده به آمدن بهار و رسیدن نوروز و همه شهر برای این آمدن در حال تکاپو است. چه آن‌ها که در حال خانه‌تکانی هستند و چه کسانی که شهر را می‌آرایند. امسال نوروز مشهدالرضاع) نیز برای آمدن میهمانان عزیزی در حال پوشیدن رخت نوست. هرچند که زائران جست‌ه‌گریخته‌راهی شده‌اند اما این زیباشدن‌ها تا لحظات آخر سال ادامه دارد. روایت امروز شرح حال برخی از آن‌هاست که برای این زیباشدن و استقبال از فصل نو در تلاش هستند. هرکدام به‌شکلی و به‌طریقی. با امید به آمدن روزهای روشن و پرامید.

گزارش
روز

تکتم
جاوید

جان تازه به چهره‌ی شهر

خیابان‌ها را رنگ آمیزی کرد. از قبل نوروز تا بعد از عید. حساب عدد و رقم دستش نیست فقط می‌داند روی هم رفته شش ماهی مشغول رنگ‌آمیزی بوده است. پاکبان خوش سلیقه منطقه ۴ شهرداری طرح‌ها را خودش انتخاب و پیشنهاد می‌کند. ساعت ۷ صبح شروع می‌کند به رنگ آمیزی و تا غروب کارش ادامه دارد. بعضی از طرح‌ها زمان بیشتری می‌برد، بعضی کمتر. خودش می‌گوید: «بستگی دارد طرح چقدر پرکار باشد. یکی راماهی کشیدم، یکی هفت‌سین و دیگری را گل. برای همین از روزی دو، سه تا پنج ستون را رنگ می‌کنم. فکر می‌کنم تا الان نزدیک پنجاه تیر چراغ برق را در خیابان طبرسی جنوبی رنگ زده‌ام. تا آخر ماه نمی‌دانم چه تعدادی می‌شود.

خودش که عاشقانه نقاشی می‌کشد و معتقد است رنگ‌هایش حال‌شهر را خوب می‌کند طوری که اگر بگذارند همه جا را رنگ آمیزی می‌کنم، و حاضر است هرسال همین کار را انجام بدهد. از سوی عابران و شهروندان هم واکنش‌های مثبتی دیده است «مردم وقتی این تصویرها را می‌بینند، لذت می‌برند. بعضی آقایان می‌گویند از خانه‌ها بهتر نقاشی می‌کنم. چقدر طراوت دارد و توصیف‌هایی شبیه به این. خیلی‌ها هم با آن‌ها عکس یادگاری می‌گیرند، صحبت‌هایش که تمام می‌شود ظرف رنگش را برمی‌دارد و با آن کلاه آفتاب گیر دوباره شروع می‌کند به زیبا کردن شهر بدون توجه به بوق ممتد ماشین‌ها و خورشید گرم یک روز اسفندی.



«از سوم اسفند کارم را در خیابان طبرسی جنوبی و از تقاطع گاز-مقداد شروع کردم. هر روز در خیابان طبرسی جنوبی ام. از تقاطع خیابان طبرسی و مقداد شروع کردم. امروز صبح به تقاطع مجلسی رسیدم. ان شاء... تا آخر سال به‌حرم مطهر می‌رسم.» از ۱۰ سال پیش تا الان پاکبان شهرمان است. اما این‌ها را برای جارو کشیدن به خیابان‌ها نمی‌گوید. میان شلوغی و رفت و آمد مردم برای رسیدن به خریدها و کارهای آخر سال محمدجواد غلامی به جای ابزار کارش، قلم‌مو و قوطی رنگ دست گرفته و نقاشی می‌کشد. به خیابان‌های شهرمان صفا می‌دهد. آن‌هم چه تصاویر زیبایی. تیر چراغ‌هایی که همه این سال‌ها به رنگ سیمانی و خاکستری دیده بودیم را رنگ می‌کند. رنگ بهار می‌زند به آن‌ها، تصویر ماهی و سفینه هفت‌سین و گل می‌کشد تا دست‌کم منطقه کاری خودش خوش‌رنگ و لعاب باشد.

پاکبان سی‌ونه‌ساله شهرمان استعداد ذاتی و هنر نقاشی‌کردنش را با خودش به محل کار آورده است، «من نقاشی می‌کشیدم. سیاه قلم. پیمان‌کارم وقتی فهمید چنین هنری دارم مرا به شهرداری منطقه ۴ معرفی کرد و آن‌ها هم به خدمات شهری. از پارسال هم کارم را شروع کرده‌ام. آن‌ها رنگ را می‌دهند و من هم هنرم را روی فضا‌هایی که نازیباست پیاده می‌کنم.»

سال قبل جعبه‌های بزرگ مخابرات و برق کنار



بیشتر وقت‌ها محدودیت‌ها، مثلاً در زمینه مالی یا امکانات، دست‌وپای‌گیران می‌شود و نمی‌گذارند کاری از پیش ببریم. اینجاست که عده‌ای با این تصور که دیگر تکلفی ندارند، ناامیدکنار می‌کشند و عده‌ای دیگر همچنان در جست و جوی راهی برای کاهش رنج درمندان و نیازمندان از هر فرصتی استفاده می‌کنند. مثل بچه‌های جهادی «چیچی طلایی» که سال‌هاست با حرفه و مهارتشان به کمک نیازمندان شناخته‌اند و به‌سروروشان صفا می‌دهند. درآستانه نوروز و بهار امیر جعفری را هبر گروه جهادی «چیچی طلایی»

حسن نوع دوستی و کمک به هم‌نوع در وجود همه ما به‌دیده نهاده شده است، به‌گونه‌ای که از دیدن رنج و محنت انسان‌ها، به هر شکل که باشد، آشفته می‌شویم و دوست داریم کاری برایشان انجام دهیم. اما

بیشتر وقت‌ها محدودیت‌ها، مثلاً در زمینه مالی یا امکانات، دست‌وپای‌گیران می‌شود و نمی‌گذارند کاری از پیش ببریم. اینجاست که عده‌ای با این تصور که دیگر تکلفی ندارند، ناامیدکنار می‌کشند و عده‌ای دیگر همچنان در جست و جوی راهی برای کاهش رنج درمندان و نیازمندان از هر فرصتی استفاده می‌کنند. مثل بچه‌های جهادی «چیچی طلایی» که سال‌هاست با حرفه و مهارتشان به کمک نیازمندان شناخته‌اند و به‌سروروشان صفا می‌دهند. درآستانه نوروز و بهار امیر جعفری را هبر گروه جهادی «چیچی طلایی»

غرور بیجاست، حماقت است یا هر چیزی غیر از سوءنیت و قصد قبلی است که از یک انسان، قاتل می‌سازد.

این‌ها را به‌عرض مبارکتان رساندیم که بگوییم ما ایرانی‌ها گذشت و بخشش نوی خونمان موج می‌زند. نمونه‌هی و حاضرش همین عفو ۶۵۵ محکوم به‌قصاص بود که بخشی از آن به‌عشق ائمه(ع) رقم‌خورده است و حالا بناست به‌عشق آقا امام رضا(ع) جمع دیگری از محکومان به قصاص عفو شوند.

حجت الاسلام والمسلمین صادقی رئیس مرکز توسعه اختلاف‌قوه قضائیه در توضیح عفو ۶۵۵ مورد قصاص که فرایند آن در سال‌های گذشته طی شده‌و رضایت گرفته‌شده، گفته است: پوشش‌های مختلفی برای رضایت گرفتن از خانواده مقتولان و بخشیدن محکومان منجر به قصاص به‌عشق ائمه(ع) برگزار شده است که ۶۵۵ عفو و بخشش را داشته‌ایم. تعداد ۱۵۴ مورد رضایت در جریان پوشش «به‌عشق



امام حسین(ع) می‌بخشم» و ۵۵۵ مورد نیز در جریان پوشش «به‌عشق امام علی(ع) می‌بخشم» گرفته شده است. همچنین از روز گذشته با همکاری آستان قدس رضوی، پوشش «به‌عشق امام رضا(ع) می‌بخشم» آغاز شده است.

۵۰ هزار گل، تقدیم بهار

فصل نواست و گل‌های رنگارنگش که به‌خیابان‌ها و کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر، رنگ زندگی می‌بخشد. دیدن آدم‌هایی که در هر بولوار و خیابانی در حال کاشتن گل یا زیبا کردن پرچین هستند، حال‌رنگ‌دار را خوب می‌کند به‌خصوص حالا که نویدبخش نوروز است. کنار همه آن‌ها که برای زیبایی شهر کار می‌کنند مجموعه‌ای در منطقه گردشگری هفت حوض کار کاشتن گل‌ها و گیاهان فضای سبز را به‌طور جدی دست گرفته است. آن قدری که امسال تولیداتشان به‌چندصدهزار رسیده است. رضا کریمی، کارشناس ناظر شرکت توسعه گردشگری شهرداری مشهد مسئول پیگیری و تولید انبوه است می‌گوید: «مجموعه هفت حوض یک فضای گردشگری طبیعی است که فضای مناسبی برای تولید گونه‌های گیاهی دارد و ظرفیت غنی از آب، خاک و نور مناسب که بهترین امکان برای پرورش گیاهان است. بنابراین ما در سال ۱۴۰۰ گلخانه‌ای کوچک راه‌اندازی کردیم که دست‌کم بتوانیم نیاز فصلی مجموعه به گل و گیاه و گونه‌های فضای سبز شهری را تأمین کنیم. که هم تأمین نیاز خودمان باشد و هم درآمدی از طریق فروش به پیمانکاران سطح شهر.» پارسال این هدف را کلید زدند و از یک گلخانه سیصد و پنجاه متری هم نیاز خودشان تأمین شد و هم ۱۵۰ میلیون تومان فروختند. برنامه امسال



امیدوار کرد و به آن‌ها اعتماد به‌نفس بخشید و درواقع با حضور در این پوشش ما خودمان را اصلاح می‌کنیم چرا که هر بار برای خدمت‌جهادی می‌رویم، از حضورمان حس خوبی می‌گیریم. دیدن لیخند رضایت، بچه‌ها را برای تداوم کار مصمم‌تر می‌کند.»

جعفری درباره برگزاری پوشش «چیچی طلایی» که روز گذشته در محله آقا مصطفی خمینی برگزار شد این‌طور توضیح می‌دهد: «چندی قبل در بین همکارانم برای اجرای پوشش خیرخواهانه فراخوان زدم که سرانجام ۹ نفر اعلام آمادگی کردند و برای اصلاح سر کودکان و نوجوانان حاشیه شهر پای کار آمدند. روز گذشته در مسجد فاطمه الزهرا(ع) خیابان آقا مصطفی خمینی حاضر شدیم و به اصلاح حدود شصت نفر از کودکان و نوجوانان بیمار و نیازمند تحت پوشش خیریه «مهرمندان» پرداختیم که عیدی خوبی برای خودمان و بچه‌ها بود.

یادداشت

در مقدم نوروز شادمان باشیم



غلامرضا
تپنی
آسی

نوشوندگی فقط خاص طبیعت نیست. این را باید پیغامی دانست از خالق لیل و نهار که ما را به نوشوندگی مدام می‌خواند به‌سوی احسن الحال. ما در قبال خود مسئولیم و باید برای بهترشدن حالمان به عنوان یک تکلیف تلاش کنیم. نوروز که نماد نوشدن است، در این هندسه ارزش دوچندان می‌یابد. در این نظم است که زمان و زمین منظم می‌شود. درست در این نگاه است که می‌توان گفت روز نو و نوروز و بهار، آیت خداست که چون بر زمین می‌نشیند، از هر گوشه‌اش ده‌ها نشانه برمی‌خیزد که به شادمانی نگاه‌ها را تا بر حضرت دوست می‌برد. از یک سو چشمه می‌جوشد و آب قطره‌قطره زندگی را بر لب زمین و درخت می‌نشانند. این یک سو نگاه را پر می‌کند و از دیگر سو گل برمی‌خیزد و درویش نسیم، گیسو پریشان می‌کند. دورترها هم آهوان می‌خرامند و زیبایی چشم‌ان خویش را با آدم‌ها قسمت می‌کنند. از گوشه دیگر هم حرف پرواز است و باران و کیوترانی که در باران بهاری بال می‌شویند. بهار است دیگر و طبیعت به‌شرح آیات خدا شادی‌ها را با آدم‌ها به اشتراک می‌گذارد و این خط فرحناکی از دل طبیعت بکر تادل شهر امتداد می‌یابد.

نگاه کنید به کوچه‌ها و خیابان‌های شهر. میدان‌ها و بولوارها را ببینید که دارند می‌شکفند با دست‌های نجیبی که گل‌دان‌ها را کنار هم می‌چینند و گل‌ها را چنان می‌کارند که از هم‌نشینی آن‌ها بازطرحی تازه بر زمین می‌نشیند و در نگاه مردم به شادمانی برمی‌خیزد. این طراوت و ترانه چنان در شهر جاری است که درو دیوار و حتی بلوکه‌های سیمانی هم به شوق، چهره نو می‌کنند در قفس هنرمندانه نگاه‌های مهربان. آری، طبیعت دارد نومی‌شود و به نوشدن می‌خواند. گوش را به‌هوش باید جوان کرد برای شنیدن. در و دیوار شهر هم پیغام را شنیده‌اند و نو پوشیده‌اند و به نوشدن می‌خوانند. اصلاً همه نوشده‌اند برای انسان. آیا حیف نخواهد بود ما برای نوشدن همت نکنیم؟ این حال خوش طبیعت و این تلاش و تکاپوی شهر را که می‌بینم، یاد آن بیت معروف می‌افتم که شیخ اجل، سعدی، می‌فرماید: «همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری، فرمان باید برد حکم نوشدن را. شرط انصاف نیست که در این نوکده، باز کهنه‌پندار و کهنه‌گفتار و کهنه‌رفتار باشیم و قهرها و کینه‌های کهنه را با خود داشته باشیم. وقتی جامه کهنه ناخوش و نازیباست در فصل نو، چگونه کهنه‌جانی را می‌توان تاب آورد در مبارک هنگامه‌ای که طبیعت خط نو می‌نویسد بر همه جا؟ کهنگی، کفران نعمت نوشوندگی است و کفران نعمت نوروز، حال آنکه وظیفه انسان درک رحمت و شکرگزاری نعمت است. شکر نعمت هم فقط به‌سجده و نماز نیست، که شکر نعمت باید از جنس خود نعمت باشد. وقتی خداوند به نعمت نوشدگی می‌نوازد مان‌وبر سفره کرامت می‌نشانند، باید که ما هم به نوشوندگی همت کنیم. نتیجه این همت هم آن‌که همه چیز را زیبا خواهد کرد، آن‌گونه‌که شایسته اهل ایمان و صاحبان خرد و اخلاق باشد. نو شویم و زیبایی را از نو زندگی کنیم تا دنیا بداند ایران خود بهشت است؛ بهشت با بهشتی خصلاتی که هر روز نوتر و بهتر می‌شوند.

یادداشت

راهیان نور؛ هم‌قدم با اصحاب کهف



سید محمدحسین دعائی | این روزها برگزاری اردوهای «راهیان نور» داغ است. ۲۰ اسفند هم را که پشت سر گذاشتیم روز ملی «راهیان نور» بود. همان پدیده مقدس و شگفت‌انگیزی که به‌تعبیر رهبر معظم انقلاب، یک «فناوری» برای استفاده از «معدن طلای دوران دفاع مقدس» است. به توفیق الهی، اسامال‌پسرم، با جمعی از دانش‌آموزان مدرسه‌شان، راهی این سفر نورانی شدند. راستش اول کاری اینکه می‌دانستم سفری بی‌بدیل و فرصتی بی‌نظیر است کمی مردد بودم که بروم یا نروم، تا اینکه قرار شد یکی از علما برایمان استخاره کند. جواب استخاره، نقطه‌زن بود:

وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَفْعِلُونَ إِلَّا اللَّهُ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرِيفًا. (کهف/ ۱۶) [ای جوانان خداجو!] حال که از غیر خدا کناره گرفته‌اید، به غار پناه ببرید تا پروردگارتان سایهٔ رحمتش را بر سرتان بگستراند و گره از کارتان بگشاید.

آری، نوجوانان و جوانانی که در دنیای معاصر، دل از همه زرق و برق‌های این دنیا کنده و با کناره‌گیری از خانه و خانواده، راهی دشت‌ها و بیابان‌هایی می‌شوند که می‌توانند با پناه گرفتن در آن‌ها، حس ناب معنویت و عبودیت را تجربه کنند، در واقع با اصحاب کهف هم‌قدم شده‌اند، همان جوانمردان مؤمنی که داستان بندگی و آزادی‌گی‌شان تأقیامت، نقل‌محلل خوبان این عالم است.

البته روشن است که برکت سفره نورانی سفر راهیان نور، نتیجه اخلاص شهدایی است که آن‌ها نیز در زمان خود، از هر چه غیر خدا بریدند، در راه خدا قیام کردند و همه سختی‌ها را برای خدا به‌جان خریدند، همان جوانمردانی که دیروز با اقدام خود و امروز با نام و مرام خود، بقای اسلام و انقلاب اسلامی را تضمین کرده‌اند. وَ كَذَلِكَ اعِثُّرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا... قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَعْيُنِهِمْ لَنْ نَجِدَنَّ عَلَيْهِمْ مَشْجَدًا. (کهف/ ۲۱)

و این گونه ما مردم را از ماجرای اصحاب کهف آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا حق است و هیچ شکی در آمدن قیامت نیست. ... و سرانجام نیز] کسانی که بر حقیقت حال اصحاب کهف آگاهی یافته بودند گفتند: حتماً بر سر مزار ایشان، مسجد و عبادتگاهی می‌سازیم. آری، مزار شهدا، همان مؤمنانی که هر از چندگاهی یادشان در جامعه زنده می‌شود، عطرشان در کوچه‌های فرهنگ و سیاست می‌پیچد و با حضور خود، حقانیت وعده‌های الهی را برای همگان روشن می‌کنند. عبادتگاه‌های است که می‌توان با حضور در آن، حس عبودیت و انگیزه مجاهدت را در وجود خود زنده کرد و این همان اتفاق مبارکی است که حرکت «راهیان نور» می‌تواند برای نوجوانان و جوانان این مرز و بوم رقم بزند، ان‌شاء....